



The Impact of the Principle of Istiman on the Contractual Liability of Agents in Fiduciary Contracts (A Jurisprudential and Legal Analysis)¹



Esmail Nematollahi 

Associate Professor, Department of Private Law, University of Qom, Qom, Iran.

Email: esmail_nematollahi@yahoo.com

Abstract

According to the principle of *ḍamān al-yad* (liability of possession), any unauthorized use of another person's property entails liability, unless the possessor is considered a fiduciary (*amīn*). One of the most important examples of a fiduciary is an agent in contracts of trust, such as *wadi'a* (deposit) and personal lease contracts. The fiduciary nature of the agent's possession may raise the assumption that the agent is exempt from liability in the event of failure to fulfill the contracted task. From a legal perspective, a potential conflict arises between two sets of rules: The general rule of contractual liability (Article 227 of the Iranian Civil Code), which considers breach of contract as a basis for liability, and the presumption of non-liability in fiduciary possession (*yad amānī*). The central issue is whether a genuine contradiction exists between these two frameworks, and if so, how it should be resolved. This study, employing a descriptive-analytical method, argues that the relevant types of contracts

-
1. Nematollahi, E. (2025). The impact of the principle of *istimān* on the contractual liability of agents in fiduciary contracts (A jurisprudential and legal analysis). *Journal of Fiqh*, 32(122), pp. 87-114. <https://doi.org/10.22081/jf.2025.70485.2867>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:** 2024/12/08 ■ **Revised:** 2025/04/11 ■ **Accepted:** 2025/06/30 ■ **Published online:** 2025/08/01

© The Authors



must be distinguished. In contracts like *wadi'a*, where the agent's duty is limited to the safekeeping and return of property, the principle of *istimān* supports the agent and exempts them from liability. In contrast, in contracts such as personal service leases (*ijārah al-ashkhāṣ*), where the agent's obligation is to perform a specific task with the entrusted property (beyond mere safekeeping), the principle of *istimān* cannot be invoked to exempt the agent from liability for non-performance.

Keywords

Contract breach; fiduciary possession; contractual liability; principle of *istimān*; fiduciary contracts.

تأثیر قاعده استیمان بر مسئولیت قراردادی عامل در عقود امانی (بررسی فقهی و حقوقی)^۱

اسماعیل نعمت‌اللهی 

دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه قم، قم، ایران.

Email: esmail_nematollahi@yahoo.com



چکیده

براساس قاعده ضمان ید، تصرف مال غیر، موجب ضمان است مگر آنکه متصرف امان محسوب شود. یکی از مصادیق مهم امان، عامل در عقود امانی مانند ودیعه و اجاره اشخاص است. امانی بودن ید عامل، ممکن است این شبهه را ایجاد کند که عامل در صورت انجام ندادن کار، موضوع قرارداد معاف از ضمان و مسئولیت است. از لحاظ حقوقی نیز شبهه تعارض بین دو دسته از قواعد مطرح شده است: قاعده عمومی مسئولیت قراردادی (ماده ۲۲۷ ق.م.)، که نقض قرارداد را موجب مسئولیت می‌داند و موارد وجود ید امانی، که در آنها اصل بر عدم مسئولیت امان است. مسئله این است که آیا بین این دو دسته قواعد و مقررات تعارض وجود دارد یا نه، و اگر تعارض وجود دارد شیوه حل آن چگونه است؟ این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی می‌کوشد اثبات کند که از لحاظ موضوع بحث باید دو دسته از عقود را از یکدیگر تفکیک کرد. در قراردادهایی مانند ودیعه که موضوع تعهد قرارداد، تنها نگهداری و ردّ

۱. **استناد به این مقاله:** نعمت‌اللهی، اسماعیل. (۱۴۰۴). تأثیر قاعده استیمان بر مسئولیت قراردادی عامل در عقود امانی (بررسی فقهی و حقوقی). فقه، ۳۲ (۱۲۲)، صص ۸۷-۱۱۴.

<https://Doi.org/10.22081/jf.2025.70485.2867>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۱/۲۲ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹ • تاریخ آنلاین: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰



مال است، قاعده استیمنان به نفع عامل و در جهت براءت وی از مسئولیت عمل می کند اما در قراردادهایی مانند اجاره اشخاص که موضوع تعهد انجام دادن کار دیگری در مال (غیر از نگهداری) است، قاعده استیمنان نمی تواند در خصوص انجام دادن کار مورد تعهد، از عامل حمایت کند و موجب معافیت وی از مسئولیت شود.

کلیدواژه‌ها

نقض قرارداد، ید امانی، مسئولیت قراردادی، قاعده استیمنان، عقود امانی.

مقدمه

قبل از پرداختن به مباحث اصلی، مناسب است چهار نکته به عنوان مقدمه بررسی شود: بیان مسئله، تقسیم مباحث، پیشینه بحث و شیوه آن.

۱- بیان مسئله؛ یکی از قواعد مهم فقهی (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۷۷) قاعده «علی الید» یا ضمان ید است که براساس آن، هر کس مال دیگری را تصرف کند، ضامن آن است و باید عین آن را رد کند، و در صورت تلف یا نقص باید از عهده خسارت برآید. یکی از استثنائات مهم این قاعده، قاعده «استیمان» (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۹) است که به موجب آن، «امین ضامن نیست جز در صورت تعدی یا تفریط». ید امانی انواع مختلف دارد که یکی از آنها جایی است که مال به مناسبت یکی از عقود امانی به امین سپرده می شود تا از آن محافظت یا بر روی آن کاری انجام دهد مانند عقد ودیعه، عاریه، اجاره اشخاص، جعاله، مزارعه، مضاربه، وکالت و شرکت. امانی بودن ید عامل در این دسته از عقود ممکن است این شبهه را ایجاد کند که عامل در صورت انجام ندادن کار، موضوع قرارداد معاف از ضمان و مسئولیت است.

از لحاظ حقوقی نیز یکی از شروط مسئولیت قراردادی تقصیر طرف ناقض است (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۱۴۹؛ شهیدی، ۱۳۸۳، ص ۶۳). از لحاظ حقوقی در مورد مفهوم تقصیر اختلاف نظرهایی وجود دارد. طبق یک نظر عدم اجرای قرارداد تقصیر است و طبق نظر دیگر، عدم اجرای قرارداد اماره بر تقصیر است (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۱۷۴-۱۷۸؛ شهیدی، ۱۳۸۳، ص ۶۶). طبق هر دو نظر، همین که طرف قرارداد به تعهد خود عمل نکند، مسئول جبران خسارت است مگر اینکه متعهد وجود قوه قاهره را اثبات کند (مواد ۲۷ و ۲۹ ق.م). با در نظر گرفتن این نکته، تعارضی بین قاعده مسئولیت متعهد و مقررات مربوط به عقود امانی دیده می شود. توضیح این که: در مورد این دسته از عقود، طبق قاعده استیمان، که در مواد متعددی از قانون مدنی انعکاس یافته است (مانند ۵۵۶ در مضاربه، ۵۶۹ در جعاله، ۶۱۴ در ودیعه، ۶۴۰ در عاریه)، امین فقط در صورت تعدی و تفریط مسئول است و اثبات تعدی و تفریط بر عهده مالک است؛ در حالی که طبق قاعده مسئولیت (ماده ۲۲۷ ق.م)، صرف

عدم انجام تعهد تقصیر یا اماره بر تقصیر است. ید مستأجر نیز طبق ماده ۶۳۱ امانی است و همچنین تردیدی در امانی بودن ید اجیر و وکیل وجود ندارد.

۲- تقسیم مباحث؛ در عقود امانی، یکی از طرفین مالی را به طرف دیگر که امین محسوب می شود تسلیم می کند و امین تعهداتی صریح یا ضمنی را به عهده می گیرد. یکی از تعهدات مشترک در این عقود، نگهداری از مال مورد امانت و رد آن به مالک است؛ منتها در عقد ودیعه، امین تعهدی جز نگهداری و رد مال ندارد اما در عقود دیگر، تعهد یا تعهدات دیگری نیز بر وی تحمیل می شود.^۱ به عنوان نمونه، تعمیر کاری که در قالب اجاره متعهد به تعمیر خودرو است یا عامل در عقد مزارعه، باید پس از تعمیر خودرو و کشت و زرع، خودرو و زمین (و نیز سهمی از محصول) را به مالک مسترد کند؛ بنابراین، از لحاظ بحث حاضر، امین را می توان به دو دسته تقسیم کرد: (۱) مواردی که تعهد اصلی وی تنها حفظ و نگهداری مال و رد آن است و موضوع تعهد قراردادی وی با موضوع قاعده استیمان یکسان است. مصداق بارز این مورد، امین در عقد ودیعه است. (۲) مواردی که تعهد اصلی وی نگهداری و رد مال نیست. مال به منظوری دیگر به وی سپرده می شود و عامل متعهد به انجام کاری در مال موضوع قرارداد است، اما انجام کار مستلزم سلطه عامل بر مال غیر است و قانون گذار، ید وی را امانی تلقی کرده است.

۳- پیشینه بحث؛ در مورد موضوع این بحث اثر مستقلی دیده نمی شود، هرچند که جنبه های مختلف مسئولیت امین در مقالات متعددی مورد بحث قرار گرفته است، از جمله مقاله مستقلی در مورد پذیرش قول امین از لحاظ فقهی و آیین دادرسی (اسماعیلی و نصیری، ۱۳۹۶)، تسلیم منفعت در قرارداد اجاره (پارساپور و عیسایی تفرشی، ۱۳۹۵) و پیامدهای

۱. این تفاوت بین دیعه و سایر عقود امانی در کلام برخی از فقها به دقت بیان شده است: در ودیعه فقط امانت وجود دارد اما در سایر عقود امانی، وصف دیگری علاوه بر امانت وجود دارد مثلاً در وکالت، امانت و اذن در تصرف، و در رهن، امانت و توثیق جمع شده اند. بر تفاوت مذکور این اثر مترتب شده است که تعدی امین در مال مورد ودیعه، موجب انحلال عقد می شود، چون با تعدی، صفت امانت زایل می شود و عقد ودیعه چیزی جز امانت نیست؛ اما در وکالت یا رهن، با تعدی وکیل و مرتهن، صفت امانت زایل می شود اما اذن در تصرف و توثیق باقی می ماند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۲، ص ۹۷-۹۶. همچنین، نک: باریکلو، ۱۳۹۰، ص ۵۹).

حقوقی تقصیر امین قراردادی (باریکلو، ۱۳۹۰)؛ اما مسئله مورد توجه در این نوشته، موضوع اصلی مقالات مذکور نیست. برخی از اساتید نیز به این بحث اشاره کرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۰، صص ۴۵-۴۶ و ۱۷۵؛ کاتوزیان، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۵۷۸-۵۸۲؛ شهیدی، ۱۳۸۳، ص ۲۳۸-۲۴۸)، اما به نظر می‌رسد هنوز هم جای بررسی تفصیلی برخی از نکات این مسئله باقی است. از این رو، این تحقیق می‌کوشد تحلیل مفصل و مسنجم‌تری در خصوص جنبه‌های مختلف این مسئله و فروع مختلف آن ارائه کند.

۴- شیوه بحث در این تحقیق، توصیفی و تحلیلی است و موضوع از لحاظ قواعد ماهوی بررسی می‌شود و نه شکلی و دادرسی؛ همچنین، جز در مواردی اندک که به قانون دیگری اشاره می‌شود، مباحث به قانون مدنی، و نیز دیدگاه حقوقی و فقهی معطوف است.

از آنجا که مهمترین عقد امانی عقد ودیعه است و تنها تعهد مستودع به طور معمول حفظ مال به صورت مجانی و به مصلحت مالک و سپس رد آن به مالک است، باید در مورد مسئولیت امین بین مستودع و سایر اشخاصی که براساس یکی از عقود امین تلقی می‌شوند تفکیک کرد. از این رو، در ادامه ابتدا مسئولیت مستودع نسبت به تلف یا رد مال و سپس مسئولیت عامل در سایر عقود امانی بررسی می‌شود. بحث اول با توجه به اعتبار قاعده فقهی استیمنان (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، صص ۷-۲۲) نیاز به تفصیل زیادی ندارد و در واقع مقدمه‌ای برای مباحث بعد را فراهم می‌کند.

۱. مسئولیت مستودع نسبت به تلف یا رد مال

در مورد مسئولیت مستودع نسبت به مال، مسائل متعددی قابل طرح است اما از لحاظ بحث کنونی، باید به دو مسئله پرداخته شود: ۱- ادعای امین در مورد وقوع تلف و انکار آن توسط مالک، ۲- ادعای رد مال توسط عامل و انکار آن توسط مالک.

۱-۱. ادعای وقوع تلف

گاه مدعای امین این است که مال تلف شده است؛ بنابراین، به دلیل وقوع تلف،

تکلیفی به رد عین مال ندارد و چون وی امین است، تکلیفی به رد بدل هم ندارد. در مقابل، مالک ادعا می‌کند که عین مال باقی است و امین باید آن را رد کند. در این مسئله، به تعبیر صاحب جواهر، شهرت عظیم و قریب به اجماع وجود دارد که سخن امین پذیرفته می‌شود، خواه تلف را به سببی آشکار مانند سیل و آتش‌سوزی منسوب کند یا به سببی مخفی مانند سرقت (نجفی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۱۴۷).

۲-۱. ادعای رد مال

در این مسئله امین ادعا می‌کند که مال را به مالک رد کرده است اما مالک منکر آن است و عین مال را از امین مطالبه می‌کند. در این مسئله نیز پذیرش سخن امین به مشهور نسبت داده شده و حتی بر آن ادعای اجماع شده است (نجفی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۱۴۸). از لحاظ قانون مدنی،^۱ مستودع متعهد به نگهداری از مال (ماده ۶۰۷ و ۶۱۲) و رد آن به مالک (ماده ۶۱۹) است. قانون مدنی در ماده ۶۱۴، امین را جز در صورت تقصیر، ضامن تلف و نقصان مال ندانسته است. در این ماده وقوع تلف یا نقصان مال مفروض گرفته شده است؛ بنابراین، نسبت به ادعای وقوع تلف یا نقصان ساکت است. طبق قواعد کلی دادرسی، مدعی باید دلیل ارائه کند (البینه علی المدعی) و در این مورد، امین طبق قواعد کلی، مکلف به ارائه دلیل است اما قاعده استیمان (لیس علی الامین الا الیمین) استثنایی^۲ را بر قاعده لزوم ارائه دلیل توسط مدعی فراهم می‌کند و ادعای او بدون ارائه دلیل پذیرفته می‌شود، مگر آن که مالک بتواند خلاف ادعای او را ثابت کند.

به نظر برخی از حقوق‌دانان، تعهد امین نگهداری از مال تعهد به وسیله است؛ مگر آن

۱. ماده ۴ تصویب‌نامه قانونی مربوط به تأسیس انبارهای عمومی، مصوب ۰۶/۰۶/۱۳۴۰ هیات وزیران حکم خاصی را در مورد انبارهای عمومی مقرر داشته است: «انبارهای عمومی مسئول حفظ و نگهداری کالاهای سپرده و جبران خسارت وارده به آن تا میزان ارزش اظهارشده کالا در موقع تودیع می‌باشند. در صورتی که خسارت جزء وارد شده باشد مسئولیت انبار در حدود خسارت وارده و به نسبت ارزش اظهارشده می‌باشد. لیکن در هیچ مورد انبار عمومی مسئول خسارات ناشی از خود کالا و نقص بسته‌بندی و قوه قاهره (فورس ماژور) نمی‌باشد».

۲. برخی از فقها پذیرش قول امین را مطابق با قواعد دانسته‌اند (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، صص ۹۹-۱۰۱ و ۱۱۹-۱۲۰).

که امین متعهد به کار معینی شده باشد که در این صورت، انجام دادن آن کار تعهد به نتیجه است و انجام نشدن آن تقصیر محسوب می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۴۸). بنابراین، برای این که مالک بتواند به دلیل تلف مال از امین خسارت بگیرد، باید اثبات کند که وی مال را اتلاف یا سبب تلف آن را فراهم کرده یا در حفظ آن تقصیر کرده است (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۵۴). بالعکس، تعهد به رد مال، تعهد به نتیجه است و امین باید تلف مال یا حادثه خارجی که مانع ایفای تعهد وی شده است را اثبات کند وگرنه مسئول خسارت است (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۵۵). نکات مذکور طبق کارکردی است که بر تقسیم‌بندی مذکور مترتب شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۰، صص ۴۴-۴۷).

در مورد این نظر باید متذکر شد که اولاً اعتبار این تقسیم‌بندی، یعنی تقسیم تعهدات به تعهد به وسیله و تعهد به نتیجه، مورد تردید است (شهی، ۱۳۸۳، ص ۲۱۰) و ثانیاً حتی بر فرض اعتبار آن، با توجه به نظر مشهور یا اجماع فقها در خصوص این مسائل، سکوت قانون را باید بر نظر مشهور حمل کرد.

از لحاظ تحلیلی، مهمترین تعهد قراردادی مستودع، نگهداری و استرداد مال است و طبق قاعده کلی مسئولیت قراردادی (ماده ۲۲۷ ق.م.)، همین که امین مورد امانت را رد نکند مسئول است. از سوی دیگر، با توجه قاعده استیمان (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۱)، مستودع امین محسوب می‌شود و سخن او در دعوای تلف و رد مال پذیرفته می‌شود؛ بنابراین، در تعارض قاعده استیمان با قاعده عمومی مسئولیت قراردادی باید قائل به تخصیص قاعده مسئولیت با قاعده استیمان گردید. در واقع، در مورد مستودع، موضوع قاعده استیمان همان موضوع مسئولیت قراردادی است و اگر قرار شود که در تعارض این دو قاعده، قاعده مسئولیت مقدم شود، مصداقی برای اجرای قاعده استیمان در مورد مستودع باقی نمی‌ماند. پس به ناچار، باید قاعده استیمان را مقدم دانست.

همان‌طور که خواهیم دید، از لحاظ فقهی، و کیلی که به صورت رایگان کار می‌کند نیز برخی از احکام مستودع را دارد و سخن وی در دعوای تلف (نجفی، بی تا، ج ۲۷، صص ۴۳۲-۴۳۱) و رد مال (نک: نجفی، بی تا، ج ۲۷، صص ۴۳۳-۴۳۲) پذیرفته می‌شود.

برخی از حقوقدانان ابتدا این پرسش را مطرح کرده‌اند که با توجه به دیدگاه فقها در

مورد قبول ادعای مستودع و وکیلی که در قبال کار خود اجرت نمی‌گیرد در رد مال، اگر در قانون برای این اشخاص و سایر اشخاصی که عرفاً محسن تلقی می‌شوند فرض تقصیر شود، آیا ادعای آنها در رد مال بدون بینه پذیرفته می‌شود؟ سپس در پاسخ گفته‌اند که فرض تقصیر برای این اشخاص خلاف قاعده احسان است و به همین دلیل است که در حال حاضر مقرره‌ای در مورد فرض تقصیر آنها در قوانین وجود ندارد (اسماعیلی و نصیری، ۱۳۹۶، ص ۴۱). اما همان‌طور که گفته شد، تعبیر درست‌تر این است که گفته شود: اطلاق ماده ۲۲۷ قانون مدنی شامل تصرفات امین در عقود امانی، از جمله مستودع و وکیل مورد بحث نیز می‌شود، اما با توجه به قاعده استیمان، باید قائل به تخصیص و خروج این دو مورد از شمول قاعده عمومی مسئولیت قراردادی و فرض تقصیر شد.

۲. مسئولیت عامل در سایر عقود امانی

در این بحث باید دو مسئله را از یکدیگر تفکیک کرد: مسئولیت نسبت به استرداد مال و مسئولیت نسبت به انجام دادن کار مورد اجاره.

۲-۱. مسئولیت نسبت به استرداد مال

مهمترین تعهد قراردادی امین در عقد ودیعه، نگهداری و رد مال است. اما در سایر عقود امانی، تعهد اصلی عامل و امین (مانند اجیر، وکیل، شریک مأذون، عامل در مضاربه و مزارعه)، انجام دادن کار در مال مورد امانت است. اما عامل در این عقود یک تعهد فرعی بر عهده دارد که براساس آن باید مالی را که به مناسب انجام کار دریافت کرده یا بر آن سلطه یافته است، نگهداری و رد کند، مانند آن که وکیل، اجیر یا عامل در عقد جعاله، مزارعه، مساقات مالی را از مالک به امانت بگیرد تا به تعهد موضوع قرارداد عمل کند. در این گونه موارد، ید عامل امانی محسوب می‌شود؛ بنابراین، اگر مال قبل از انجام دادن کار بدون تعدی و تفریط وی تلف شود، همانند امین، مشمول قاعده استیمان است و ادعای وی در مورد اصل وقوع تلف یا در مورد عدم تقصیر وی

در تلف پذیرفته می شود (نجفی، بی تا، ج ۲۷، ص ۴۲۱). از این رو، تکرار مطالب مربوط به آن بحث ضرورتی ندارد.

بحثی که در اینجا عامل در سایر عقود امانی را از مستودع جدا می کند این است که عامل در این عقود بعد از انجام دادن کار یا در اثنای انجام دادن آن، مال را تلف کند.^۱ بنابراین، از لحاظ این بحث باید دو فرض را از یکدیگر تفکیک کرد: اتلاف مال پس از انجام دادن کار، و اتلاف مال در اثناء انجام دادن کار.

۲-۱-۱. اتلاف مال پس از انجام عمل

تفاوت مهمی که این دسته از عقود با عقد ودیعه دارند این است که در این عقود، مال مورد امانت هم موضوع قاعده استیمان است و هم مورد عملی است که تعهد قراردادی امین بر روی آن انجام شده است؛ بنابراین، در واقع و به تعبیر مسامحی، عمل مورد تعهد یا نتیجه آن، در مال ادغام می شود. در نتیجه، تسلیم موضوع تعهد ملازمه با تسلیم مال دارد و به تعبیر بهتر، تسلیم موضوع تعهد قراردادی با تسلیم مال مورد امانت یکی است. به عنوان مثال، تعمیرکاری که خودرو را در قالب اجاره تعمیر کرده، عمل تعمیر وی در خودرو تجلی یافته است یا اجیری که تعهد کرده که از سنگ عقیق متعلق به مستأجر، نگین انگشتری بسازد، عمل ساختن وی در نگین انگشتر بروز یافته است (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، صص ۶۵-۶۶). در این گونه موارد، اگر امین مال را رد نکنند، در واقع به دو تعهد عمل نکرده: تعهد به رد مال از باب امانت و تعهد به رد مال از باب اجاره. همچنین است اگر اجیر در ارسال، کالا را پس از رساندن به مقصد و قبل از تسلیم آن به مالک، تلف کند.

در این گونه موارد این مسئله مطرح می شود که آیا باید عامل را از باب نقض قرارداد مسئول شمرد یا از باب امانت، مبرا از مسئولیت دانست؟ چنان که خواهیم دید،

۱. تردیدی نیست که اگر امین قبل از انجام عمل، مال مورد امانت را تلف کند یا مال با تقصیر وی تلف شود، ضامن قیمت مال بدون در نظر گرفتن ارزش کاری است که قرار بوده در آن انجام شود. همچنین، در صورتی که تلف بعد از انجام دادن کار و بدون تقصیر وی صورت گیرد، خارج از بحث کنونی است.

در مواجهه با این مسئله، بسیاری از فقها به هر دو جنبه آن توجه داشته‌اند و آن دو را از یکدیگر تفکیک کرده‌اند اما به نظر می‌رسد که برخی بین این دو جنبه خلط کرده و گهگاه نتایج نامناسبی گرفته‌اند.

در ادامه، به بررسی این موضوع در چند عقد مهمی که در آنها امین، علاوه بر نگهداری مال دیگری به عنوان امین، به انجام کاری بر روی آن می‌پردازد، یعنی اجاره اشخاص، وکالت، جعاله، مزارعه و شرکت پرداخته می‌شود.

الف) اجاره اشخاص

یک نمونه برای این بحث که در کتب فقهی مطرح شده این است که خیاط لباسی را در قالب عقد اجاره بدوزد و سپس تلف کند. سه نظر در مورد مقدار ضمان وی وجود دارد: ضمان وی نسبت به قیمت لباس دوخته شده (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۶۶)، ضمان وی نسبت به قیمت پارچه دوخته نشده (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، حاشیه شیرازی)، و تخیر مالک بین اینکه اجیر را ضامن قیمت پارچه دوخته نشده بداند یا ضامن لباس دوخته شده (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، حاشیه اصفهانی؛ حلی، ۱۴۱۳، ص ۳۰۵). طبق نظر اول - و نیز طبق نظر سوم در صورتی که مالک، قیمت پارچه دوخته شده را مطالبه کند - مالک باید اجرت عمل را به خیاط پرداخت کند اما طبق نظر دوم، مالک لازم نیست اجرت بپردازد. در واقع، طبق نظر اول، اثر عمل خیاط یعنی خیاطی،^۱ در لباس تحقق یافته است و از آنجا که عمل وی متعلق به مالک و مستأجر بوده، اجیر ضامن ارزش آن به صورتی است که در لباس تبلور یافته است.

همچنین، در صورتی که شخص برای حمل کالا به محل معینی اجیر شده باشد و محموله را پس از رساندن به مقصد تلف کند، در مورد مقدار ضمان وی دو نظر وجود دارد: طبق یک نظر، اجیر ضامن قیمت کالا در مقصد است (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۶۶) و طبق نظر دیگر مالک مخیر است که اجیر را ضامن قیمت کالا در مقصد شمارد یا ضامن

۱. به تعبیر عربی «مَخِيطَةً» یا «دوخته شدگی».

قیمت آن در مبدأ. در صورتی که اجیر ضامن قیمت کالا در مقصد باشد، باید اجرت حمل به وی پرداخت شود (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۵).
تفسیر این مسئله نیازمند توضیح نکاتی است:

در اجاره اشخاص موضوع عقد از طرف اجیر، عمل مورد اجاره است. در موردی که اجیر عملی را بر مال متعلق به مستأجر انجام می‌دهد، مسئله چگونگی تسلیم عمل و زمان آن قابل بحث است (نک: کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۵۸۵). در مورد این مسئله باید حالت‌های مختلف را جداگانه بررسی کرد. در مواردی که کار در مال غیر منقول متعلق به مستأجر انجام می‌شود (مانند اجاره شخص برای حفر چاه یا ساختن خانه در زمین مستأجر)، صرف انجام عمل، تسلیم عوض محسوب می‌شود و اجیر می‌تواند اجرت را مطالبه کند؛ همچنین است مواردی که عمل در مال منقول صورت می‌گیرد اما مال بدون اینکه از تصرف مالک خارج شود در سلطه عامل قرار می‌گیرد مانند آنکه تعمیر کار، یخچال مستأجر را در خانه وی تعمیر کند. اما در مواردی که مال منقولی از تصرف مستأجر خارج و به تصرف اجیر داده می‌شود؛ مانند پارچه‌ای که به خیاط داده می‌شود یا کتابی که برای صحافی به اجیر سپرده می‌شود، طبق یک نظر به صرف انجام عمل، اجیر مستحق مطالبه اجرت است و طبق نظر دیگر، اجیر بعد از تسلیم مالی که بر آن عمل انجام گرفته مستحق اجرت می‌شود. طرفداران نظر اول استدلال می‌کنند که مورد اجاره، خود عمل است و فرض این است که عمل انجام شده است، نه اینکه مورد اجاره، صفت حادث در مال یعنی «دوخته‌شدگی» در مثال خیاطی باشد تا گفته شود که صفت مذکور در پارچه تحقق یافته و تسلیم آن با تسلیم مال تحقق می‌یابد.

آثار این دو نظر در صورتی که مال بعد از انجام کار از بین برود، قابل توجه است: طبق نظر اول، اولاً اگر مورد اجاره بعد از انجام کار تلف شود اجیر مستحق اجرت المسمی است، خواه ضامن تلف به عهده اجیر باشد یا نباشد، ثانیاً اگر مال در حالی که اجیر ضامن آن است تلف شود یا اجیر آن را تلف کند، اجیر باید قیمت مال بعد از انجام عمل (و در مثال خیاطی، با وصف «دوخته‌شدگی») را بپردازد نه قیمت مال قبل از انجام عمل را، و ثالثاً اجیر نمی‌تواند بعد از انجام کار، مال را حبس کند تا اجرت را دریافت

کند، چراکه مال همراه با وصف و اثر ناشی از اجاره در آن، مورد معامله نیست بلکه در دست او امانت است، بنابراین اگر آن را حبس کند، ضامن خواهد بود.

اما طبق نظر دوم، اولاً اگر مورد اجاره بعد از انجام کار تلف شود اجیر مستحق اجرت نیست، خواه ضمان تلف به عهده اجیر باشد یا نباشد، ثانیاً اگر مال درحالی که اجیر ضامن آن است تلف شود یا اجیر آن را تلف کند، اجیر ضامن قیمت مال قبل از انجام عمل است، و ثالثاً، اجیر می‌تواند برای مطالبه اجرت از حق حبس مال استفاده کند.

چند تن از فقهای معاصر نظر دوم را انتخاب کرده‌اند (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، صص ۵۶-۵۳) و یکی از حقوقدانان (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۵۸۶) نیز با اینکه نظر دوم را ترجیح داده، در صورتی که اجیر کالا را پس از انجام کار اتلاف کرده یا سبب تلف آن را فراهم کرده، مستأجر را مخیر دانسته که بدون پرداخت اجرت، قیمت مال تلف شده را پس بگیرد یا با پرداخت اجرت، بهای کالا پس از انجام کار - مثلاً قیمت لباس دوخته شده - را مطالبه کند. مبنای این تخییر چندان واضح نیست و با توجه به اینکه تقصیر اجیر موجب انفساخ اجاره نمی‌شود، انتخاب نظر نخست ترجیح دارد. در واقع به نظر می‌رسد که طرفداران نظر دوم از تأثیر قاعده استیمان مصون نمانده‌اند، در حالی که قاعده مسئولیت قراردادی اجیر بر قاعده استیمان مقدم است.

ب) وکالت، جعاله و مزارعه

در مورد وکیل تصریح شده است که وکیل، «نسبت به» عدم ضمان مالی که در دستش بدون تعدی تفریط تلف شده و نیز «نسبت به» تصدیق ادعای وی در مورد تلف ضامن نیست (نجفی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۴۲۱). در صورتی که وکیل مدعی تلف مال شود، سخن وی مقدم است هرچند که مخالف اصل است. در این مورد فرقی نمی‌کند که وکالت معوض باشد یا بلاعوض و نیز فرقی نیست بین اینکه وکیل مدعی تلف در اثر سبب آشکاری، مانند سیل و آتش‌سوزی باشد یا در اثر سببی پنهان مانند سرقت. صاحب جواهر تصریح می‌کند که این حکم در مورد مطلق امین حتی صنعتگر جاری است

(نجفی، بی تا، ج ۲۷، صص ۴۳۲-۴۳۱).

در صورتی که وکیل مدعی رد مال مورد وکالت به موکل گردد و موکل انکار کند، بین صورت وکالت بلاعوض و معوض تفکیک انجام گرفته است، اگر وکالت بلاعوض باشد، به نظر مشهور وکیل در حکم مستودع است. البته در فرض بلاعوض بودن وکالت مقتضای اصول و قواعد از جمله قاعده «البینه علی المدعی» و اصل عدم رد این است که قول مالک پذیرفته شود و برخی از فقها همین نظر را اتخاذ کرده‌اند (نک: نجفی، بی تا، ج ۲۷، صص ۴۳۳-۴۳۲).

اما اگر وکالت معوض باشد، وکیل مدعی محسوب می‌شود و باید دلیل اقامه کند. ممکن است تصور شود که در این بحث نیز علی القاعده و طبق آنچه در مورد اجیر گفته شد، باید به ضمان وکیل نسبت به ارزش مال قبل از انجام دادن کار مورد وکالت و ارزش مال بعد از انجام دادن کار توجه می‌شد و حکم این دو مورد از یکدیگر تفکیک می‌شد. اما تفاوت مهمی که در این مورد بین وکیل -از جمله وکیل در فروش مال- با اجیر وجود دارد این است که در مورد وکیل، فرض این است که کار، انجام گرفته و مال مورد وکالت به مال دیگری تبدیل شده است؛ مانند آنکه وکیل در فروش، مال مورد وکالت را که مثلاً کالا بوده فروخته و کالا به وجه نقد تبدیل شده است. تبدل مال در ملک مالک انجام گرفته است؛ بنابراین، ضمان وی نسبت به مال، در واقع ضمان نسبت مال بعد از انجام دادن کار مورد وکالت است.

این نکته در مورد جعاله نیز صادق است و می‌توان آن را در مورد مزارعه نیز با اندکی توجیه و تسامح، صادق دانست. توضیح اینکه یکی از تکالیف عامل در عقد مزارعه، عدم مواظبت از محصول است. ماده ۵۳۶ قانون مدنی در این باره می‌گوید: «هرگاه عامل به طور متعارف مواظبت در زراعت ننماید و از این حیث، حاصل کم شود یا ضرر دیگر متوجه مزارع گردد عامل، ضامن تفاوت خواهد بود». در این مورد نیز هرچند ید عامل نسبت به حصه‌ای از محصول که در تملک خود او است مالکانه است، اما سلطه وی بر سهمی از مالک، که بنا به فرض بعد از تحقق محصول است، سلطه بر مال غیر است. در این مورد نیز کشت و زرع، حاصل کار و کوشش زارع است؛

بنابراین، عامل با مواظبت از محصول و تسلیم سهمی از آن به عامل، هم به تکلیف امانی خود عمل می‌کند و هم به تکلیف ناشی از عقد مزارعه، و ترک مواظبت نیز نقض هر دو تکلیف محسوب می‌شود. همین نکات با توجه به ماده ۵۴۵ ق.م.، در مورد مساقات نیز صادق است.

۲-۱-۲. اتلاف مال در اثنای عمل

از لحاظ فقهی، در صورتی که عامل، مانند صنعتگر، رنگرز، حجامت‌گر و دامپزشک، در حین انجام کار ضرر مالی یا جسمی وارد کند، ضامن است. از آنجا که ضرر مستقیماً توسط عامل وارد می‌شود، اتلاف صدق می‌کند؛ بنابراین، نه تنها ضمان وی منوط به تقصیر نیست، کوشش و احتیاط وی نیز رافع ضمان نیست. نیز در استدلال بر این حکم، علاوه بر اجماع و نفی خلاف و روایات متعدد، به قاعده اتلاف استناد شده است (نجفی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۳۲۲؛ یزدی، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۶۶). در روایت معروفی که یکی از ادله ضمان عامل را تشکیل می‌دهد، از حکم رنگرزی که لباس را برای رنگ کردن دریافت و تلف می‌کند سوال شده است، امام صادق (علیه السلام) در پاسخ یک قاعده کلی را فرمودند: «هر عاملی که به وی برای درست کردن اجرت بدهی و او [شیء مورد اجاره را] تلف کند، ضامن است» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۱۴۷).

مسئله مذکور محل تلاقی مسئولیت قهری (اتلاف) و مسئولیت قراردادی (تخلف از اجرای تعهد) است و چنان که ملاحظه شد، فقها در این مسئله به جنبه قهری آن توجه کرده‌اند. به همین دلیل، اجیر را در موردی که تلف منتسب به فعل او نیست معاف از مسئولیت دانسته‌اند (نجفی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۳۲۵)؛ همچنین است اگر باربر در حین انجام کار بلغزد و بار تلف شود (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۶۸).

برخی از اساتید بر این نظر خرده گرفته‌اند که «مسئولیت ناشی از اتلاف در شمار مسئولیت‌های قهری و ناشی از حکم قانون است و در جایی مورد استناد قرار می‌گیرد که قراردادی بر روابط مالک و تلف‌کننده حکومت نکند. اجیر و مستأجر در درجه نخست تابع قرارداد اجاره هستند و ... امین نیز بر طبق اصول حاکم بر قراردادها در

صورتی ضامن است که تعدی و تفریط کرده باشد». از این رو، اجیر در صورتی ضامن است که تعهد به ایمنی کالا کرده باشد یا حفظ سلامت کالا از لوازم تعهد او به انجام دادن کار مورد اجاره محسوب شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۵۸۱). البته ایشان در ادامه، به درستی بین تعهد به انجام دادن کار مورد اجاره و تعهد به نگهداری مال تفکیک کرده و استناد به قاعده امانت را تنها در مورد تعهد دوم معتبر دانسته‌اند و در مورد تعهد اول، اجیر را طبق قاعده عمومی مسئولیت قراردادی (ماده ۲۲۷ ق.م.) ضامن شمرده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۵۸۲)؛ بنابراین، انتقاد ایشان به نظریه مشهور فقهی در مورد مسئله اتلاف مال در حین انجام دادن کار را باید بر تفسیر متفاوتی از موضوع مسئله حمل کرد نه بر اختلاف در حکم و مبنا؛ به این صورت که ایشان مسئله اتلاف را به مسئله نگهداری مرتبط دانسته‌اند و نه مسئله تخلف از تعهد قراردادی.

به نظر می‌رسد ضمان عامل در مسئله اتلاف مال در اثنای کار، از باب مسئولیت قراردادی است نه از باب مسئولیت قهری. از قاعده مذکور در روایت امام صادق علیه السلام نیز همین معنا استفاده می‌شود. در واقع، با توجه به تأکید روایت بر مجانی نبودن عمل و هدف از پرداخت اجرت که به تعبیر روایت «اصلاح» و درست کردن است نه «افساد»، معلوم می‌شود که مبنای ضمان این است که قرارداد یا توافق مالک با عامل نه تنها به نتیجه مورد نظر مالک منتهی نگردیده بلکه نتیجه عکس را به بار آورده است؛ بنابراین، ضمان را باید براساس نقض قرارداد تفسیر کرد. برخی از اساتید، ضمان را براساس فقد یکی از دو عنصر ید امانی یعنی اذن مالک توجیه کرده و گفته‌اند که چون مالک اذن در «اصلاح» داده است نه اذن در «افساد»، بنابراین، عنصر اذن وجود ندارد و ید عامل ضمانی است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۰۷). اما همان‌طور که گفته شده، توجیه ضمان بر مبنای مسئولیت قراردادی ترجیح دارد.

۲-۲. مسئولیت نسبت به انجام دادن کار

در صورتی که امین بعد از قبض مال از اجرای تعهد خودداری کند، ممکن است با توجه به تصرف مال غیر، هم در معرض مسئولیت قراردادی باشد و هم در معرض

مسئولیت قهری. در مسئولیت وی نسبت به عین مال در جایی که به عنوان مثال، مال را بدون اطلاع مالک رها کند و مال تلف یا دچار عیب یا نقص شود، تردیدی نیست. درست است که اکثر عقود امانی در زمره عقود جائزند و عامل تکلیفی به تکمیل کار و ایفای کامل تعهد ندارد، اما حتی در صورت فسخ عقد نیز مکلف به نگهداری و رد مال است و لذا وکیل نمی تواند پس از استعفاء از وکالت، مال را در بیابان رها کند. علاوه بر آن، به نظر برخی از اساتید، حتی استعفاء نابهنگام و نامتعارف وکیل نیز بر مبنای سوء استفاده از حق استعفاء ضمان آور است (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۲۰۱).

در ادامه به صورت مختصر مسئولیت عامل در عقد مضاربه، مزارعه، وکالت و شرکت بررسی می شود.

۱. عقد مضاربه

اگر عامل در عقد مضاربه پس از گرفتن مال در مدتی اقدام به تجارت با آن مال نکند و مال تلف شود، از لحاظ فقهی، عامل در مورد تلف سرمایه ضامن است اما ترک مضاربه فقط موجب حرمت تکلیفی است و ضمان وضعی نسبت به سود سرمایه در پی ندارد. این نظر را اغلب فقهای معاصر تأیید کرده اند (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۲۶۷).

ضمان وی در مورد سرمایه به این دلیل است که تقصیر وی موجب گردیده که ید وی از امانی به ضمانی تبدیل شود (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۹، ص ۳۷۰). در استدلال بر عدم ضمان نسبت به سود گفته اند که دلیلی بر آن وجود ندارد و اصل برائت است (حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۲، ص ۴۵۵)؛ همچنین، سود وجود خارجی نداشته تا تلف آن در اثر اهمال، به عامل نسبت داده شود بلکه عامل با اهمال خود صرفاً موجب محرومیت مالک از سود شده است و محروم کردن از کسب سود موجب ضمان نیست (خویی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۲۰؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۹، ص ۳۷۰). از این گذشته، این استدلال هم مطرح شده است که سرمایه در مضاربه وجه نقد است، و در شرع برای وجه نقد سودی در نظر گرفته نمی شود، و سودی که عرف برای آن در نظر می گیرد ربا محسوب می شود (اشتهدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۸، ص ۱۷۰). در مقابل، برخی از فقها با تشبیه این مورد به جایی که شخص

موجب تفویت منافع عینی مانند خانه می‌شود و با استدلال اینکه منافع اموال بر حسب نوع مال متفاوت‌اند و عرف و عقلا نه تنها برای مورد مضایبه سود در نظر می‌گیرند بلکه حتی احتمال عدم تحقق سود را نادیده می‌گیرند، ضمان عامل نسبت به سود را پذیرفته‌اند (اردبیلی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۱۳).

قانون مدنی در ماده ۵۵۵، عامل را مکلف کرده که کارهایی که برای نوع تجارت مورد نظر بر حسب زمان و مکان متعارف است انجام دهد اما در مورد مسئولیت عامل نسبت به تخلف از انجام این تکلیف ساکت است. البته در ماده ۵۶۰، مضایبه را در موارد سکوت قانون تابع قرارداد طرفین دانسته است. در صورتی که قرارداد نسبت به مسئولیت عامل ساکت باشد، تردید می‌شود که باید به قاعده عمومی مسئولیت در ماده ۲۷۷ مراجعه کرد یا با توجه به نظر مشهور فقهی که در بالا آمد، عامل را معاف از مسئولیت دانست. تحلیل حقوقی صرف اقتضا می‌کند که اولاً اطلاق ماده ۲۲۷ قانون مدنی را باید «بیان» محسوب کرد و نمی‌توان قانون را نسبت به این مسئله ساکت دانست تا براساس اصل ۱۶۷ قانون اساسی نیاز به مراجعه به منابع معتبر فقهی باشد. ثانیاً در جمع ماده ۲۲۷ ق.م. با تبصره ۲ ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م.، خسارت وارد به مالک را باید تا حدی که عدم النفع تلقی نشود قابل جبران دانست.

۲. عقد مزارعه

عامل در عقد مزارعه امین مالک در نگهداری از زمین و نیز اشیاء دیگری است که به مناسبت انجام دادن کار کشت و زرع به وی سپرده می‌شود. اما تعهد اصلی وی اقدام به کشت و زرع است. در صورتی که عامل اقدام به اجرای این تعهد نکند، طبق قواعد عمومی باید ابتدا الزام به انجام دادن کار شود و اگر الزام مؤثر واقع نشود، انجام کار به هزینه عامل به شخص دیگری سپرده می‌شود. در مرحله سوم اگر انجام دادن کار توسط ثالث ممکن نباشد، مالک حق فسخ مزارعه را دارد. در این صورت، اگر از تأخیر عامل ضرری متوجه مالک گردد، عامل مسئول جبران آن است (نک: کاتوزیان، ۱۳۶۸، ج ۴، صص ۱۹۶-۱۹۵).

ماده ۵۳۵ قانون مدنی، خودداری عامل را موجب ضمان وی نسبت به اجرت المثل دانسته است و با توجه به سوابق فقهی این موضوع، مقصود از اجرت المثل، اجرت المثل زمین است (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۱۸). اما همان‌طور که برخی از اساتید متذکر شده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۶، صص ۱۹۹-۱۹۸)، اجرت المثل زمین، خسارت عدم انجام تعهد نیست. لزوم پرداخت اجرت المثل در واقع ناشی از اجرای قواعد ضمان قهری یعنی اتلاف و تسبیب است. برای محاسبه خسارت ناشی از اجرای تعهد باید به مفاد تعهد و زیانی که در اثر آن به طرف غیرناقص وارد شده توجه کرد. البته مبنای محاسبه این خسارت و چگونگی آن ما را به بحث دیگری می‌کشاند که از موضوع این تحقیق خارج است. اما اجمالاً باید متذکر شد که در فقه نیز به این نکته توجه شده و برخی از فقها مسئولیت قراردادی عامل را پذیرفته‌اند، هرچند که در مورد شیوه محاسبه خسارت نظرات گوناگونی مطرح شده است (یزدی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، صص ۳۰۵-۳۰۸؛ نعمت‌اللهی، ۱۳۹۳، صص ۳۹۲-۳۹۰).

۳. عقد وکالت

اموری که می‌توانند در قلمرو وکالت قرار گیرند بسیار گسترده‌اند و نباید انتظار داشت که در این نوشته مختصر به همه آنها پرداخته شود. برخی از اساتید برای تشخیص ماهیت تعهدات وکیل به تقسیم تعهدات به تعهد به وسیله و نتیجه متوسل شده (کاتوزیان، ۱۳۸۹، صص ۱۶۴-۱۶۳) و در برخی موارد از جمله برای حل اختلاف وکیل و موکل در اجرای تعهد (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵، ش ۹۹) و تعیین مسئولیت وکیل از آن کمک گرفته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ص ۱۸۲).

در ادامه، به دو نمونه از مسائل فقهی در مورد مسئولیت وکیل در معامله بررسی می‌شود. اول: در صورتی که وکیل در معامله، مصلحت موکل را رعایت نکند و مثلاً در جایی که مصلحت موکل، فسخ معامله است از فسخ آن خودداری کند، مرتکب حرام شده است اما طبق یک نظر در برابر موکل ضامن نیست. صاحب جواهر که طرفدار این نظر است این‌گونه استدلال می‌کند که مصالحی که وکیل باید رعایت کند دو قسم است:

برخی از آنها موجب تقیید اذن در وکالت می‌شود و اگر وکیل آنها را رعایت نکنند، موجب فضولی شدن وکالت می‌شود مانند جایی که وکیل در فروش، با وجود خریداری که حاضر به خرید کالا به ثمن المثل است، کالا را به کمتر از آن بفروشد. قسم دوم مصالحی است که تنها تکلیف شرعی وکیل است و ربطی به اذن در وکالت ندارد. مانند آنکه وکیل کالا را به کمتر از ثمن المثل فروخته اما خیار فسخ معامله را داشته باشد. سپس در مدت خیار خریداری پیدا شود که حاضر به خرید کالا به ثمن المثل باشد. در اینجا براساس یک دیدگاه بر وکیل واجب است که بیع را فسخ کند و کالا را به آن خریدار بفروشد. حال اگر وکیل این تکلیف را رعایت نکند، صرفاً مرتکب حرام شده است اما ضامن مابه‌التفاوت نیست (نجفی، بی‌تا، ج ۲۷، صص ۳۶۸-۳۶۷).

دوم: اگر وکالت در خرید مطلق باشد، وکیل می‌تواند ثمن را به فروشنده تأدیه کند اما حق ندارد مبیع را قبض کند؛ همچنین، اگر وکالت در فروش مطلق باشد، وکیل می‌تواند مبیع را به خریدار تسلیم کند اما حق قبض ثمن را ندارد. علاوه بر آن، وکیل در فروش حق ندارد قبل از قبض ثمن، مبیع را تسلیم کند و گرنه ضامن است. البته در هر دو صورت، اگر قرینه‌ای بر اذن به قبض مبیع یا ثمن وجود داشته باشد، وکیل می‌تواند و بلکه بر او واجب است - مبیع یا ثمن را قبض کند و گرنه ضامن خواهد بود (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، صص ۲۵۳-۲۵۲).

نکته مهم در مسئله اخیر مقدار ضمان وکیل است. مسئله صورت‌های متعددی دارد که به یک صورت آن اشاره می‌شود. فرض کنیم که وکیل در فروش، قبل از قبض ثمن، مبیع را تسلیم کند و قبض ثمن ناممکن شود. در این صورت، اگر قیمت مبیع برابر با ثمن یا کمتر از آن باشد، وکیل ضامن قیمت مبیع است اما اگر قیمت مبیع بیشتر باشد، احتمال ضمان وی نسبت به قیمت مبیع نیز مطرح شده است. صاحب جواهر در این مسئله نیز ابتدا عدم ضمان وضعی وکیل و صرفاً حرمت تکلیفی وی را مطرح کرده است، اما با فرض پذیرش ضمان، ضمان نسبت به قیمت مبیع را با شرایطی ترجیح داده است (نجفی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۳۷۳).

۴. عقد شرکت

چنان که می دانیم، شرکت در قانون مدنی به معنای امتزاج اموال است اما در قراردادی که بین شرکا نسبت به چگونگی اداره مال مورد شرکت منعقد می شود ممکن است برخی از شرکا، مأذون در اداره اموال مشترک گردند. ماده ۵۸۴ قانون مدنی تصریح می کند که شریکی که مال مورد شرکت در دست او است، نسبت به مال امین است و به تعبیر یکی از حقوقدانان، «شریک مأذون، از لحاظ سیمتی که در اداره مال مشترک می یابد، در حکم وکیل سایرین است» (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۴۱)؛ همچنین، به موجب ماده ۵۷۷ ق.م.، شریک مأذون می تواند هر کاری را که لازمه اداره کردن اموال است انجام دهد؛ بنابراین، علی القاعده همان مطالبی که در مورد وکیل گفته شد در مورد شریک مأذون نیز صادق است. اما نکته مهمی که در این ماده بدان تصریح شده این است که وی جز در صورت تعدی و تفریط، «به هیچ وجه مسئول خسارات حاصله از اعمال خود نخواهد بود»؛ بنابراین، با توجه به صراحت ماده، شریک از مسئولیت مربوط به خسارات ناشی از اعمال و اقدامات خود معاف است. معافیت از مسئولیت در این ماده را نمی توان به مسئولیت در مورد نگهداری و رد مال مورد شرکت حمل کرد، چرا که این مسئولیت در ماده ۵۸۴ مقرر شده است و نیازی به تکرار آن در ماده ۵۷۷ نیست؛ بنابراین، چاره ای جز حمل ماده ۵۷۷ بر مسئولیت شریک نسبت به اقدامات قراردادی نیست و از این رو، در مورد شریک مأذون حکم ماده ۵۷۷ با ماده ۲۲۷ در تعارض است، و اطلاق ماده ۲۲۷ را باید با ماده ۵۵۷ مقید کرد.

آنچه گفته شد در مورد شرکت مدنی است اما اداره شرکت تجاری احکام خاصی دارد؛ همچنین، دلال، حق العمل کار و متصدی حمل و نقل نیز با اینکه از برخی جهات امین یا در حکم وکیل (ماده ۳۳۵ تجارت در مورد دلال، ماده ۳۵۸ در مورد حق العمل کار و ماده ۳۷۸ در مورد متصدی حمل و نقل) محسوب می شوند، تابع احکام متفاوتی هستند و بررسی احکام آنها از موضوع بحث این تحقیق خارج است.

نتیجه‌گیری

از تحقیق حاضر می‌توان نکات زیر را نتیجه گرفت:

۱. بین قاعده عمومی مسئولیت ناشی از نقض قرارداد که براساس آن همین که متعهد قرارداد را اجرا نکند مسئول شمرده می‌شود و قاعده امانت که امین جز در صورت تعدی و تفریط مسئول نیست تعارض دیده می‌شود. برای حلّ این تعارض بین عقود امانی مختلف و وظایفی که امین برعهده دارد به شرح زیر تفکیک انجام گرفت:

الف). در صورتی که تعهد عامل، صرفاً نگهداری از مال غیر به صورت رایگان باشد (یعنی در مورد ودیعه و نیز برخی از صورت‌های وکالت بلاعوض)، و مال در دست وی تلف شود، فرض تقصیر برای وی (ماده ۲۲۷ ق.م.) با قاعده استیمان منافات دارد و قاعده اخیر موجب خروج مستودع از قاعده موضوع ماده ۲۲۷ ق.م. می‌شود. بالعکس، در مورد عاملی که در مقابل اجرت متعهد به نگهداری از مال غیر می‌شود مانند پاسبان و انباردار، فرض تقصیر در انجام تعهد با مانعی روبه‌رو نیست.

ب) در صورتی که تعهد اصلی عامل، صرفاً نگهداری از مال غیر نباشد، اما مال غیر به مناسب انجام کار به عامل سپرده شود، تعهد وی به انجام دادن کار، مشمول قواعد عمومی مسئولیت است و امین بودن وی امتیازی برای وی محسوب نمی‌شود؛ بنابراین، عامل در مورد تعهد به انجام دادن کار، مشمول فرض تقصیر در ماده ۲۲۷ ق.م. است. قاعده استیمان مربوط به تصرف در مال غیر است و استثنایی بر قاعده ضمانت به شمار می‌رود. در مورد قلمرو قاعده استیمان باید به همین مقدار بسنده کرد و از خلط قلمرو آن با قواعد دیگر اجتناب کرد.

۲. مسئولیت امین در صورت نقض قرارداد، مسئولیت قراردادی است نه قهری؛ بنابراین، مقدار خسارتی که به منتسب است باید با معیار مسئولیت قراردادی سنجیده شود. اما نکته مهم در بحث مسئولیت قراردادی این است که دیدگاه مشهور فقهی نسبت به پرداخت خسارت ناشی از نقض قرارداد مساعد نیست و این دیدگاه در قانون آیین

دادرسی مدنی جدید انعکاس یافته است؛ بنابراین، اشکال قابل جبران نبودن خسارت در عقود امانی در نهایت به اشکال عامی که در مورد همه عقود وجود دارد باز می‌گردد نه به تعارض ماده ۲۲۷ ق.م. با مقررات راجع به عقود امانی.

فهرست منابع

اردبیلی، سید عبدالکریم موسوی. (۱۴۲۱ق). فقه المضاربة (چاپ اول). قم: انتشارات دانشگاه مفید.

اسماعیلی، محسن؛ نصیری، محمد. (۱۳۹۶). پذیرش قول امین در فقه امامیه و آیین دادرسی مدنی، دوفصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره‌های ۷۹ و ۸۰، صص ۲۳-۴۵.

اشتهاردی، علی‌پناه. (۱۴۱۷ق). مدارک العروة (ج ۲۸، چاپ اول). تهران: دار الأسوة. باریکلو، علیرضا. (۱۳۹۰). پیامدهای حقوقی تقصیر امین قراردادی. مجله مطالعات حقوقی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۵۳-۷۵.

بجنوردی، سید حسن موسوی. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهية (ج ۱، ۲، ۳، چاپ اول). قم: نشر الهادی.

بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة (ج ۲۲، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

پارساپور، محمدباقر و عیسایی تفرشی، محمد. (۱۳۹۵). تحلیل فقهی حقوقی تسلیم منفعت در قرارداد اجاره. پژوهشهای حقوق تطبیقی، دوره ۲۰، شماره ۲، صص ۷۵-۵۹.

حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة (ج ۱۹، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت (ع).
 بیت (ع).

حکیم، سید محسن طباطبایی. (۱۴۱۶ق). مستمسک العروة الوثقی (ج ۱۲، چاپ اول). قم: مؤسسه دار التفسیر.

حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی). (۱۴۱۳ق). قواعد الأحکام (ج ۲، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۰۹ق). مبانی العروة الوثقی (چاپ اول). قم: دار العلم.

سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ق). مهذب الأحکام (ج ۱۹، چاپ چهارم). قم: مؤسسه المنار.

- شهیدی، مهدی. (۱۳۸۳). آثار قراردادهای و تعهدات (چاپ دوم). تهران: مجد.
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی). (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام (ج ۵، چاپ اول). قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۶۸). حقوق مدنی؛ مشارکت‌ها - صلح (ج ۴، چاپ اول). تهران: گنج دانش.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰). قواعد عمومی قراردادها (ج ۴، چاپ سوم). تهران: شرکت انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). دوره عقود معین، (ج ۱، چاپ دهم). تهران: شرکت انتشار.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۹). دوره عقود معین (ج ۴، چاپ ششم). تهران: شرکت انتشار.
- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۴۰۶ق). قواعد فقه (ج ۱، چاپ دوازدهم). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- نجفی، محمد حسن. (بی تا). جواهر الکلام، (ج ۲۷، چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نعمت اللهی، اسماعیل. (۱۳۹۳). مسئولیت ناشی از نقض عقد مزارعه. پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۰، شماره ۲، صص ۳۷۱-۴۰۴.
- یزدی، سیدمحمد کاظم طباطبایی. (۱۴۱۹ق). العروة الوثقی، (ج ۵، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی.

References

- Ardabili, S. A. M. (2000). *Fiqh al-Mudharabah* (1st ed.). Qom: Mofid University Press. [In Arabic]
- Bahrani, Y. b. A. (1985). *Al-Hada'iq al-Nadhirah* (Vol. 22, 1st ed.). Qom: Islamic Publishing Office. [In Arabic]
- Barikloo, A. (2011). Legal consequences of contractual trustee's fault. *Legal Studies*, 3(1), pp. 53-75. [In Persian]
- Bojnourdi, S. H. M. (1998). *Al-Qawa'id al-Fiqhiyyah* (Vols. 1-3, 1st ed.). Qom: Al-Hadi Publications. [In Arabic]
- Eshtehardi, 'A. (1996). *Madarik al-'Urwah* (Vol. 28, 1st ed.). Tehran: Dar al-Uswah. [In Arabic]
- Esmaeili, M., & Nasiri, M. (2017). Acceptance of the trustee's word in Imamiyya fiqh and civil procedure. *Judicial Legal Perspectives*, (79-80), pp. 23-45. [In Persian]
- Hakim, S. M. T. (1995). *Mustamsak al-'Urwah al-Wuthqa* (Vol. 12, 1st ed.). Qom: Dar al-Tafsir. [In Arabic]
- Hilli (Allama), H. b. Y. (1992). *Qawa'id al-Ahkam* (Vol. 2, 1st ed.). Qom: Islamic Publishing Office. [In Arabic]
- Hurr 'Amili, M. b. H. (1989). *Wasa'il al-Shi'ah* (Vol. 19, 1st ed.). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
- Katouzian, N. (1989). *Civil Law: Partnerships - Reconciliation* (Vol. 4, 1st ed.). Tehran: Ganj-e Danesh. [In Persian]
- Katouzian, N. (2001). *General Rules of Contracts* (Vol. 4, 3rd ed.). Tehran: Sherkat-e Enteshar. [In Persian]
- Katouzian, N. (2008). *Specific Contracts Series* (Vol. 1, 10th ed.). Tehran: Sherkat-e Enteshar. [In Persian]
- Katouzian, N. (2010). *Specific Contracts Series* (Vol. 4, 6th ed.). Tehran: Sherkat-e Enteshar. [In Persian]

- Khoei, S. A. M. (1989). *Mabani al-'Urwah al-Wuthqa* (1st ed.). Qom: Dar al-'Ilm. [In Arabic]
- Muhaqqiq Damad, S. M. (1986). *Qawa'id Fiqh* (Vol. 1, 12th ed.). Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. [In Persian]
- Najafi, M. H. (n.d.). *Jawahir al-Kalam* (Vol. 27, 7th ed.). Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Nematollahi, E. (2014). Liability arising from the breach of a muzara'ah contract. *Fiqh Research*, 10(2), pp. 371-404. [In Persian]
- Parsapour, M. B., & Isaee Tafreshi, M. (2016). Jurisprudential-legal analysis of usufruct delivery in lease contracts. *Comparative Legal Researches*, 20(2), pp. 59-75. [In Persian]
- Sabzawari, S. 'A. (1992). *Muhadhdhab al-Ahkam* (Vol. 19, 4th ed.). Qom: Al-Manar Institute. [In Arabic]
- Shahid Thani, Z. b. 'Ali. (1992). *Masalik al-Afham ila Tanqih Sharayi' al-Islam* (Vol. 5, 1st ed.). Qom: Ma'arif al-Islamiyyah Institute. [In Arabic]
- Shahidi, M. (2004). *Effects of Contracts and Obligations* (2nd ed.). Tehran: Majd. [In Persian]
- Yazdi, S. M. K. T. (1998). *Al-'Urwah al-Wuthqa* (Vol. 5, 1st ed.). Qom: Islamic Publishing Office. [In Arabic]